



## Research Paper

# Studying the Economic Effects of Regional Development Policymaking in Provinces of Iran (With Emphasis on Provincial Budget Credits)



\***Mohammad Ghaffary fard** <sup>1</sup> , **Najibeh Mohammadi** <sup>2</sup>

1. Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Ahlulbayt International University (AS), Tehran, Iran.

2. MS of economics, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Ahlulbayt International University (AS), Tehran, Iran.



**Citation:** Ghaffary fard.M, Mohammadi.N(2025). [Studying the Economic Effects of Regional Development Policymaking in Provinces of Iran (With Emphasis on Provincial Budget Credits) (Persian)]. *Journal of Governance knowledge*, 03(08), 4-28.<https://doi.org/10.22034/jokog.2025.514549.1077>



<https://doi.org/10.22034/jokog.2025.514549.1077>



**Received:** 30 Mar 2025

**Revised:** 16 Sep 2025

**Accepted:** 19 Oct 2025

**Available Online:** 21 Dec 2025

### Keywords:

Regional development policymaking, economic growth, dynamic least squares method, panel data. Provinces

### JEL Classification:

I31 R58 ,R50

## ABSTRACT

Investigating the impact of regional development policies on economic growth in different provinces of Iran can help to better understand and design appropriate programs for the country's economic development and growth. One of the most fundamental issues in economic literature is economic growth, about which several theories have been proposed. Achieving 8 percent economic growth is possible through various paths, one of which is regional development policies. Therefore, it seems necessary to examine the economic effects of this policy. The aim of this study is to examine the economic effects of regional development policies (with an emphasis on provincial budget credits) in different provinces of the Islamic Republic of Iran. It was an applied study in terms of its purpose and in terms of its method, it analyzed the impact of regional development policies on economic growth in 31 provinces of Iran during the years 2011-2013 using a panel data approach and the dynamic least squares (DOLS) method. The results show that a one percent increase in the fiscal decentralization component leads to a 0.547 percent increase in economic growth, and the relationship between them is positive and significant. Also, with a one percent increase in oil revenue, economic growth increases by 0.089 percent, and the relationship between them is positive and significant. In addition, if the regional balanced budget credits increase by one percent, economic growth will increase by 0.853 percent in the long run, and this relationship is also positive and significant. Also, the country's Planning and Budget Organization should fully and continuously allocate the credits from three percent of oil and gas revenue to the Provincial Planning and Development Council in order to achieve balanced regional development.

### \* Corresponding Author:

**Mohammad Ghaffary fard**

**Address:** Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Ahlulbayt International University (AS), Tehran, Iran.

**E-mail:** [mghaffaryfard@abu.ac.ir](mailto:mghaffaryfard@abu.ac.ir)

## مقاله پژوهشی

## بررسی آثار اقتصادی سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای در استان‌های ایران (با تأکید بر اعتبارات بودجه استانی)

\* محمد غفاری فرد<sup>۱</sup>، نجیبه محمدی<sup>۲</sup>

۱. دانشیار، گروه علوم اقتصادی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران.

## چکیده

بررسی سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای بر رشد اقتصادی در استان‌های مختلف ایران می‌تواند به شناخت بهتر و طراحی برنامه‌های مناسب برای توسعه و رشد اقتصادی کشور کمک کند. یکی از اساسی‌ترین مباحث در ادبیات اقتصادی، رشد اقتصادی است که نظریات متعددی درباره آن مطرح شده است. دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصدی از مسیرهای مختلفی امکان‌پذیر است که یکی از آن‌ها سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای است. از این رو، بررسی آثار اقتصادی این سیاست‌گذاری ضروری به نظر می‌رسد. هدف این پژوهش بررسی آثار اقتصادی سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای (با تأکید بر اعتبارات بودجه استانی) در استان‌های مختلف کشور جمهوری اسلامی ایران است که از جهت هدف نوع کاربردی بود و از لحاظ روش با رویکرد داده‌های تابلویی و با استفاده از روش حداقل مربعات پویا (DOLS) به تحلیل تأثیر سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای بر رشد اقتصادی در ۳۱ استان ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که افزایش یک‌درصدی در مؤلفه تمرکززدایی مالی، منجر به ۰.۵۴۷ درصد افزایش در رشد اقتصادی می‌شود و رابطه میان آن‌ها مثبت و معنادار است. همچنین، با افزایش یک‌درصدی درآمد نفتی، رشد اقتصادی به میزان ۰.۸۹ درصد افزایش می‌یابد و رابطه میان آن‌ها مثبت و معنادار است. علاوه بر این، در صورت افزایش یک‌درصدی اعتبارات بودجه متوازن منطقه‌ای، رشد اقتصادی در بلندمدت به میزان ۰.۸۵۳ درصد افزایش خواهد یافت که این رابطه نیز مثبت و معنادار است. همچنین، سازمان برنامه‌بودجه کشور باید اعتبارات حاصل از سه درصد درآمد نفت و گاز را به طور کامل و مستمر به شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها تخصیص دهد تا توسعه منطقه‌ای متوازن تحقق یابد.

تاریخ دریافت: ۱۰ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۵ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۷ مهر ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۳۰ آذر ۱۴۰۴

## کلیدواژه‌ها:

سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای، رشد اقتصادی، روش حداقل مربعات پویا، داده‌های پانل، استان‌ها  
طبقه‌بندی JEL:

I31 R58, R50

## \* نویسنده مسئول:

محمد غفاری فرد

نشانی: گروه علوم اقتصادی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران.

رایانامه: mghaffaryfard@abu.ac.ir



## مقدمه

تمرکززدایی برای مشارکت نهادهای استانی در توسعه مناطق تأکید داشته است. بهبود سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای یکی از چالش‌های مهم کشورها، به‌ویژه ایران، محسوب می‌شود. در دهه‌های اخیر، تئوری‌های سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای با رویکرد تفویض اختیار به مناطق و افزایش استقلال آن‌ها، به‌منظور ارتقای کارایی بخش عمومی و ایجاد توازن منطقه‌ای، در ادبیات اقتصادی گسترش یافته است. در برنامه سوم توسعه، با ایجاد نظام درآمد - هزینه استانی، شکل جدیدی از تمرکززدایی مالی و اداری در ایران و در راستای سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای شکل گرفته است (Ghaffari Fard, 2015).

اهمیت رشد اقتصادی برای اقتصاددانان به حدی است که سایر مسائل اقتصادی در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. بدون رشد اقتصادی، نمی‌توان سیاست‌گذاری‌های دقیق و اثربخشی را در سایر حوزه‌ها از جمله توزیع درآمد و کاهش فقر طراحی کرد. در شرایطی که رشد اقتصادی ایران پایین است، ضرورت انجام این تحقیق در بررسی تأثیر سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای بر رشد اقتصادی کشور و استان‌های مختلف مشخص می‌شود. دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصدی از مسیرهای مختلفی امکان‌پذیر است که یکی از آن‌ها، سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای است. از این رو، انجام تحقیقات در این حوزه ضروری است تا آثار اقتصادی این سیاست‌گذاری بررسی و تحلیل شود.

هدف این تحقیق، بررسی آثار اقتصادی سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای در استان‌های مختلف ایران، با تأکید بر اعتبارات بودجه استانی، است. این مطالعه با استفاده از روش حداقل مربعات پویا (DOLS) انجام شده است. همچنین، سؤال اصلی تحقیق این است که آیا سیاست‌گذاری توسعه

رشد اقتصادی به افزایش تولید کالاها و خدمات در یک اقتصاد اطلاق می‌شود. افزایش کالاهای سرمایه‌ای، فناوری، سرمایه انسانی و نیروی کار همگی می‌توانند در این فرایند نقش مؤثری ایفا کنند. این مفهوم معمولاً با استفاده از شاخص‌هایی مانند تولید ناخالص داخلی (GDP) و بر اساس افزایش ارزش بازار کالاها و خدمات تولیدشده، اندازه‌گیری می‌شود. یکی از مهم‌ترین مباحث در ادبیات اقتصادی، رشد اقتصادی است که نظریات مختلفی درباره آن مطرح شده است. رشد اقتصادی به معنای افزایش بلندمدت ظرفیت تولید باهدف افزایش عرضه کل برای تأمین نیازهای جمعیت تعریف می‌شود.

با توجه به اهمیت رشد اقتصادی و تأثیر سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای، این موضوع در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای و تأثیر آن بر رشد اقتصادی در استان‌های مختلف ایران می‌تواند به درک بهتر و طراحی برنامه‌های مناسب برای توسعه اقتصادی کشور کمک کند. رشد اقتصادی یکی از مباحث اساسی در ادبیات اقتصادی است که نظریات متعددی درباره آن ارائه شده است. این مفهوم در واقع بیانگر رشد مداوم تولید در کشور است که معمولاً با افزایش جمعیت یا تغییرات زیربنایی همراه است (Ahmadi et al, 1401).

نظریه سیاست‌گذاری منطقه‌ای باهدف ایجاد توازن و تعادل درون استانی و بین استانی، و همچنین تفویض اختیارات به استان‌ها برای افزایش اثربخشی و بهره‌وری بخش عمومی و نهادهای استانی در اقتصاد شکل گرفته است. در برنامه دوم توسعه ایران، سیاست راهبردی کشور بر ایجاد نهادهای محلی و



مورد استفاده قرار می‌گیرند، نقش مهمی در افزایش بهره‌وری اقتصادی دارد.

اهمیت رشد اقتصادی برای اقتصاددانان به حدی است که سایر مسائل اقتصادی در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. بدون رشد اقتصادی، سیاست‌گذاری دقیق و اثربخش در سایر حوزه‌ها، از جمله فقر و توزیع درآمد، امکان‌پذیر نیست. در واقع، اگر رشد اقتصادی محقق نشود، سیاست‌گذاری‌ها در زمینه توزیع درآمد و کاهش فقر نیز کارآمد نخواهد بود. در حالی که رشد اقتصادی در ایران پایین است، بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که عملکرد اقتصادی کشور طی چهار دهه اخیر چندان مطلوب نبوده است. به‌ویژه در دهه اخیر، سطح درآمد سرانه ایران در سال ۲۰۲۱ تنها ۳.۴ درصد بالاتر از مقدار آن در سال ۱۹۷۹ بوده است. به‌عبارت‌دیگر، طی ۴۲ سال گذشته، تولید سرانه ایران تنها ۳.۴ درصد رشد داشته که به معنای متوسط رشد سالانه ۰.۰۸ درصد است.

این در حالی است که در اکثر برنامه‌های توسعه، رشد اقتصادی ۸ درصدی هدف‌گذاری شده، اما واقعیت این است که تنها یک‌صدم از این هدف‌گذاری تحقق یافته است. اگرچه از سال ۱۹۹۴ روند روبه رشد درآمد سالانه آغاز شده بود، اما با اعمال تحریم‌ها از سال ۲۰۱۱، این روند نزولی شد. در دوره اول مذاکرات برجام، رشد اقتصادی تا حدودی بهبود یافت، اما با خروج آمریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم‌ها، روند نزولی درآمد سرانه دوباره آغاز شد. با این حال، رشد اقتصادی ایران در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به ترتیب ۳.۶۵ درصد و در سال ۱۴۰۲ به ۴.۵۷ درصد افزایش یافت که بالاترین میزان رشد در این بازه زمانی محسوب می‌شود (Mirzaei, 1402). (and Ghasemi)

منطقه‌ای می‌تواند رشد اقتصادی استان‌های ایران را افزایش دهد؟ نوشتار این پژوهش شامل پنج بخش است: مقدمه، مبانی نظری، روش تحقیق، یافته‌های تحقیق و نتیجه‌گیری.

## مبانی نظری تحقیق

### رشد اقتصادی

رشد در هر زمینه‌ای به معنای بزرگ شدن و بالغ شدن است؛ هنگامی که این مفهوم در اقتصاد به کار رود، به معنای پیشرفت کارآمد یک جامعه در حوزه اقتصادی است. رشد اقتصادی را می‌توان افزایش تولید کالاها و خدمات اقتصادی در یک دوره زمانی مشخص نسبت به دوره‌های دیگر تعریف کرد. این مفهوم می‌تواند بر اساس نرخ تورم، به صورت واقعی یا اسمی تنظیم و اندازه‌گیری شود. به طور سنتی، رشد اقتصادی کل با استفاده از شاخص‌هایی مانند تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) اندازه‌گیری می‌شود، هرچند که گاهی معیارهای جایگزین نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.

رشد اقتصادی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد و ممکن است با شرایط تنش‌زا نیز همراه باشد. به طور ساده، رشد اقتصادی به افزایش تولید کل در یک اقتصاد اشاره دارد. افزایش تولید معمولاً با بهبود بهره‌وری همراه است که این امر به افزایش درآمد منجر شده و مصرف‌کنندگان را به خرید بیشتر تشویق می‌کند؛ در نتیجه، استاندارد و کیفیت زندگی ارتقا می‌یابد. در اقتصاد، رشد اقتصادی معمولاً به‌عنوان تابعی از سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، نیروی کار و فناوری مدل‌سازی می‌شود. به‌ویژه، افزایش کیفیت و کمیت نیروی کار و بهبود ابزارهایی که برای ترکیب سرمایه، مواد اولیه و نیروی کار



## نقش سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای در رشد اقتصادی

واژه «Policy» که به‌عنوان «سیاست» ترجمه می‌شود، هنگامی که با «Public» همراه شود، به سیاست‌گذاری عمومی یا سیاست‌گذاری دولت در حوزه‌های علمی و اجتماعی اشاره دارد. این مفهوم، به بررسی عملیات دولت در سطح منطقه‌ای و ملی می‌پردازد. برخی آن را زیرمجموعه علم سیاست دانسته و برخی دیگر آن را دانشی مستقل قلمداد می‌کنند که به مطالعه و تحلیل عملکرد دولت اختصاص دارد. در حقیقت، سیاست‌گذاری عمومی تجلی اداره حکومت در عمل است و شامل مجموعه‌ای ساختاری و مرتبط از مقاصد، تصمیم‌ها و اقدامات است که به اقتدار عمومی در سطوح ملی، محلی و بین‌المللی وابسته است.

سیاست‌گذاری عمومی باید از کیفیت مطلوبی برخوردار باشد تا بتواند توسعه منطقه‌ای را بهبود بخشد. در ارائه خدمات عمومی، متغیرهایی نظیر امنیت، سهولت، قابلیت اطمینان، رویکرد حل مسئله، مسئولیت‌پذیری ملی و عدالت باید مدنظر قرار گیرند. سیاست‌گذاری باکیفیت، سیاستی است که نیازهای مخاطبان خود را به طور مؤثر برطرف کند و به بهبود رضایت شهروندان، قابلیت تبدیل به قوانین معتبر و ایجاد دیدگاه بلندمدت منجر شود. سیاست‌گذاری‌های ضعیف، ناکامی‌هایی را در بخش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به همراه دارند، درحالی‌که سیاست‌های عمومی کارآمد می‌توانند چالش‌های متعددی را در حوزه‌های فرهنگ، محیط‌زیست، سیاست، آموزش عالی و بهداشت برطرف کنند. بهبود کیفیت سیاست‌گذاری نیازمند راهکارها و سازوکارهای متنوع فردی، سیاسی، نهادی، مدنی و اطلاعاتی است که توجه به آن‌ها می‌تواند به ایجاد یک نظام تصمیم‌گیری ملی قوی و

کارآمد منجر شود و درنهایت، موجب استفاده بهینه از منابع و ظرفیت‌های ملی و ارتقای کیفیت زندگی عمومی گردد (Danaeifard and Vali-Asl, 2018).

هدف از سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای، مجموعه‌ای از اقدامات برای ساماندهی، کنترل و مدیریت فرایند توسعه منطقه‌ای است (Kazemian, 2015).

این سیاست‌گذاری، به تخصیص و توزیع منابع و امکانات بخش عمومی در سطح مناطق می‌پردازد، اما معمولاً کمتر به تفاوت‌های اجتماعی و نیازهای خاص هر منطقه توجه دارد و عمدتاً چارچوب‌های کلان ملی و تا حدی منطقه‌ای را در نظر می‌گیرد. سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای، نقش مؤثری در ایجاد تعادل بین مناطق مختلف کشور ایفا می‌کند، درحالی‌که برنامه‌ریزی منطقه‌ای بیشتر بر تعادل‌های درون منطقه‌ای تمرکز دارد.

به‌طور کلی، سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای به دو مسئله اصلی می‌پردازد: نخست، چگونگی تحریک رشد اقتصادی و دوم، نحوه توزیع این رشد. این سیاست‌گذاری به انسجام و رقابت بین مناطق مربوط می‌شود و در وهله اول، بهینه‌سازی مکان‌یابی و سازمان‌دهی خدمات عمومی و ارتقای عملکرد و کارایی فعالیت‌های اقتصادی را هدف قرار می‌دهد. همچنین، سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای می‌کوشد تا تفاوت‌های میان سرعت رشد یا سطح توسعه مناطق پویا و مناطق کمتر توسعه‌یافته را کاهش دهد. این سیاست‌ها بر توزیع مجدد ثمرات رشد بین مناطق و جبران شرایط رکود اقتصادی تأکید دارند. به همین منظور، اصولی همچون توزیع و باز توزیع منابع، نوآوری، توسعه اقتصادی، حفاظت از محیط‌زیست و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای را ترکیب و با یکدیگر هماهنگ می‌کنند. سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:



سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای عبارت‌اند از:

- تفکیک وظایف ملی و استانی
- تعیین اعتبارات ملی و استانی و نقش استان‌ها در توزیع منابع بین طرح‌ها و شهرستان‌ها
- طراحی سازوکارهای اعطای کمک‌های مالی از مرکز به استان‌ها
- تدوین مدل‌های توزیع اعتبارات بین استان‌ها و شهرستان‌ها

این راهبردها ابتدا در برنامه سوم توسعه در قالب نظام درآمد - هزینه استانی تدوین شد و در برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه با اصلاحاتی ادامه یافت. سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای یکی از چالش‌های اساسی کشورها، به‌ویژه ایران، محسوب می‌شود. در دهه‌های اخیر، نظریه‌های سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای با تأکید بر تفویض اختیارات به مناطق و افزایش تمرکززدایی، در ادبیات اقتصادی گسترش یافته‌اند. در برنامه سوم توسعه، تشکیل نظام درآمد - هزینه استانی به‌عنوان یک گام مهم در جهت تمرکززدایی مالی و اداری در ایران معرفی شد و این روند در برنامه‌های بعدی اصلاح و تکمیل گردید (Ghaffari Fard et al, 1402)

### تمرکززدایی مالی

از نظر اقتصاددانان، تمرکززدایی مالی شامل واگذاری اختیار تصمیم‌گیری در خصوص ترکیب درآمدها و مخارج از دولت مرکزی به دولت‌های محلی منتخب است. هدف از این امر، ارتقای نتایج بخش‌های عمومی و حکمرانی شایسته در سراسر کشور ایران است. بر اساس نظریه‌های تمرکززدایی مالی، نیازهای مناطق به‌طور کارآمد توسط نهادهای استانی و محلی شناسایی می‌شوند و تخصیص منابع و خدمات عمومی به نحو شایسته انجام می‌گیرد.

«مجموعه‌ای از سیاست‌ها که باهدف ارتقای سطح توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته و کاهش یا حذف تفاوت‌های بین مناطق، طراحی و اجرا می‌شود. این تفاوت‌ها معمولاً ناشی از زیرساخت‌های ضعیف، شرایط نامناسب جغرافیایی و رشد نامتوازن بخش صنعت هستند» بااندیشی سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای با توجه به اهمیت رشد اقتصادی و تأثیر سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای، مطالعه این موضوع در ایران ضروری است. بررسی سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای در استان‌های مختلف ایران می‌تواند به شناخت بهتر این فرایند و طراحی برنامه‌های مؤثر برای توسعه اقتصادی کشور کمک کند. رشد اقتصادی، یکی از مهم‌ترین مباحث در ادبیات اقتصادی است و نظریات مختلفی درباره آن مطرح شده است. این مفهوم، به افزایش بلندمدت ظرفیت تولید باهدف افزایش عرضه کل برای تأمین نیازهای جمعیت اشاره دارد. در واقع، رشد اقتصادی یک کشور، بیانگر افزایش مستمر تولید است که معمولاً با افزایش جمعیت و تغییرات زیربنایی همراه است (Ahmadi et al, 1401).

نظریه‌های سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای، باهدف ایجاد تعادل و توازن میان استان‌ها و افزایش اختیارات استانی برای بهبود اثربخشی و بهره‌وری بخش عمومی و نهادهای استانی شکل گرفته‌اند. سیاست راهبردی ایران در برنامه‌های توسعه‌ای، بر کاهش تمرکزگرایی و ایجاد نهادهای محلی برای مشارکت بیشتر استان‌ها در تصمیم‌گیری‌های توسعه‌ای تأکید دارد. در این راستا، شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان، کمیته‌های برنامه‌ریزی شهرستان، خزانه‌های معین استانی و ستادهای تخصیص اعتبار به‌عنوان نهادهای اداری و مالی شکل گرفته‌اند.

مهم‌ترین راهبردهای اجرایی کشور ایران در زمینه



در ادبیات اقتصادی، کارشناسان اقتصاد منطقه‌ای از اثربخشی تمرکززدایی بر رشد اقتصادی دفاع می‌کنند و معتقدند که علاوه بر عوامل تولید، تغییر توجه نهادهای حکمرانی اقتصادی می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم رشد اقتصادی مناطق را افزایش دهد. تمرکززدایی مالی پیامدهایی مانند برابری بین مناطق، ارتقای حکمرانی، کاهش نابرابری‌ها و بهبود ثبات اقتصادی خواهد داشت که از جمله عوامل مؤثر غیرمستقیم بر رشد اقتصادی مناطق و کشور هستند (Ahsan and Karampour, 2003).

تمرکززدایی مالی می‌تواند رشد اقتصادی را از دو طریق مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار دهد. اثرگذاری مستقیم تمرکززدایی مالی می‌تواند چهار عامل مؤثر در بهبود رشد اقتصادی را تقویت کند. این عوامل عبارت‌اند از: تناسب میان ترجیحات مصرف‌کننده و نیازهای افراد در هر منطقه، افزایش شفافیت و پاسخگویی و مشارکت مردم در توسعه اقتصادی ملی، نقش فعال شهروندان در برنامه‌ریزی توسعه ملی و افزایش کارایی بخش‌های دولتی. هر یک از این عوامل باعث بهبود کنترل فساد، افزایش کارایی دولت، کاهش مخارج دولت و بهبود استانداردهای زندگی می‌شود که در نهایت به رشد اقتصادی منجر می‌گردد.

تمرکززدایی مالی به صورت غیرمستقیم نیز می‌تواند اقتصاد یک کشور را متأثر کند. در حقیقت، ارتباط نزدیک دولت‌های محلی به جوامع خود امکان افزایش «کارایی اقتصادی» را فراهم می‌کند؛ زیرا این دولت‌ها درک بهتری از سلیق و اولویت‌بندی نیازها دارند. با توجه به اعمال تمرکززدایی مالی، تطابق میان کالاهای عمومی و ترجیحات مردم افزایش می‌یابد؛ از این رو، این فرایند باعث تخصیص بهتر منابع می‌شود.

این امر منجر به بهبود عملکرد عوامل اقتصادی در منطقه، و ارتقای اثربخشی، کارایی و بهره‌وری خواهد شد (Ghaffari Fard and colleagues, 1402).

تئوری تمرکززدایی مالی باهدف بهبود ارائه کالاها و خدمات عمومی، به‌ویژه خدمات عمومی محلی، بر اساس نیازها ارائه شده است. اجرای سیاست‌های تمرکززدایی، کارایی، افزایش بهره‌وری، پاسخگویی و حساسی مدیران در قبال تخصیص منابع را در پی خواهد داشت. در نظام غیرمتمرکز، دولت‌های محلی به سلیقه‌ها و نیازهای محلی پاسخ بهتری می‌دهند و رقابت میان واحدهای محلی در عرضه کالاها و خدمات عمومی افزایش می‌یابد. تمرکززدایی مالی می‌تواند ارائه مؤثرتر و کاراتر خدمات و کالاهای عمومی را برای ساکنان تسهیل کند و همبستگی بهتری بین سیاست‌های دولت محلی و نیازهای شهروندان فراهم آورد. افزون بر این، دولت‌های محلی اطلاعات بیشتری نسبت به نیازهای شهروندان دارند و می‌توانند سیاست‌های محلی را بهتر و بیشتر با اولویت‌های محلی تنظیم کنند. دولت محلی با اجرای سیاست‌هایی که به نیازها و اولویت‌های محلی پاسخ می‌دهند، اطلاعات بهتر و انگیزه بیشتری نسبت به دولت مرکزی دارد. از آنجا که اولویت مصرف‌کنندگان برای کالاها و خدمات معین متفاوت است، دولت‌های محلی با توجه به نزدیکی به مردم هر منطقه، بهتر از دولت مرکزی می‌توانند سلیقه و خواسته‌های مصرف‌کنندگان را تشخیص داده و تخصیص منابع را به صورت کارآمد انجام دهند. طرفداران تمرکززدایی مالی بر این باورند که دولت‌های غیرمتمرکز نسبت به دولت مرکزی، به نیازهای فقرا بیشتر پاسخگو هستند و در نتیجه، احتمال اجرای سیاست‌ها به نفع فقرا بیشتر خواهد بود. (Ahmadi and Ali, 1400)

(Khan Gorgani)

با وجود نقدهای وارد بر دیدگاه‌های نظریه تمرکززدایی



خدمات عمومی، ممکن است دولت‌های محلی را به افزایش دریافت مالیات ترغیب کند. بار مالیات بیش از حد سبب کاهش انگیزه اقتصادی مربوط به سرمایه‌گذاری و پس‌انداز می‌شود و کاهش رفاه مردم منطقه و رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت (Mehanjhi et al, 1401).

### سه درصد درآمد نفتی

در کشور ایران، دولت مکلف است طبق جزء ۳ بند الف ماده ۲۶ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه کشور، ۳٪ از درآمد حاصل از صادرات گاز طبیعی و نفت خام را به این صورت تخصیص دهد: یک‌سوم به استان‌های گاز خیز و نفت‌خیز (سه‌م هر استان بر اساس سهم آن در ارزش صادرات گاز طبیعی و صادرات نفت خام و خالص تعیین می‌شود) و دو سوم دیگر به شهرستان‌ها و مناطق کمتر توسعه‌یافته (شاخص توسعه‌نیافتگی استان‌ها به تفکیک شهرستان، هر ساله توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تعیین می‌شود) جهت اجرای برنامه‌های عمرانی سنواتی (قانون برنامه ششم توسعه، ۱۳۹۶: ۷). براین اساس، هر ساله اعتبار موردنظر به ۳۱ استان کشور اختصاص می‌یابد و شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها برای تخصیص آن به طرح‌ها و پروژه‌های زیربنایی، اجتماعی و اقتصادی در استان‌ها تصمیم‌گیری می‌کند. (2020, Ghafari Fard and Maleki)

جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۲۰ به بعد، چهارمین کشور دارنده بزرگ‌ترین ذخایر گاز و نفت دنیا محسوب شده و از سال ۱۹۶۱ مهم‌ترین عضو در میان ۱۲ کشور صادرکننده نفت (اوپک) بعد از عربستان سعودی است. با در نظر گرفتن ۲۴۰,۰۰۰ نفر شاغل در صنعت نفت و سهم ۱۸.۷٪ آن از تولید ناخالص داخلی (GDP)، و باتوجه به درآمدهای

سیاست غیرمتمرکز کردن دولت از طریق کم‌مصرفی کالاها و خدمات عمومی و یا کاهش مصرف بیش از حد، منجر به افزایش رفاه جامعه و استانداردهای زندگی می‌شود. از آنجاکه مقامات ملی و نمایندگان از طرف مردم محل انتخاب می‌شوند، مقامات دولت‌های محلی در جهت جلب رضایت مردم، به بهبود شفافیت عملکرد و پاسخگویی خود علاقه‌مند می‌شوند. این امر موجب می‌شود که دولت نسبت به مردم جوامع خود پاسخگوتر باشد و میزان فساد را به حداقل برساند و در نهایت، دولت در ایجاد زیرساخت‌ها با مشارکت شهروندان همراه بوده و بهره‌وری در بلندمدت افزایش می‌یابد. در نهایت، این مزایا منجر به افزایش «سرمایه، فناوری و ظرفیت محلی در حوزه‌های کار» می‌شود و باگذشت زمان، افزایش بهره‌وری می‌تواند رشد اقتصادی در سطح ملی را بهبود بخشد.

علاوه بر مزایا و اثرات مثبت تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی، این سیاست ممکن است در هر حالی به نتایج مطلوب و اثرات مثبت منجر نشود. در بحث تمرکززدایی مالی، یکی از موضوعات مهم، وجود اثرات متناقض اجرایی این سیاست در کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته است. کشورهای در حال توسعه با هزینه‌ها و درآمدهای ناهمگن بین مناطق، ممکن است با اجرای فرایند تمرکززدایی مالی با مشکل نابرابری بیشتر روبرو شوند؛ پس از اجرای تمرکززدایی مالی، مالیات‌ها و درآمدها به طور نابرابر در بین مناطق توزیع خواهند شد. این پدیده می‌تواند باعث بی‌ثباتی اقتصاد کلان شود و در نتیجه رشد اقتصادی به‌کندی پیش رود. در حالی که تمرکززدایی در مناطق کوچک‌تر و توسعه‌یافته‌تر که دارای جوامع همگن هستند، سودمندتر است. در صورت ارائه کالاها و



می‌گیرد و مبادلات خارجی در آن تأمین‌کننده نیازهای توسعه‌ای سایر بخش‌ها بوده یا رقابت و کسب سود، انتقال آن به داخل و راهیابی به بازارهای بیرونی در راستای بازاریابی است، در کشور ایران همه فعالیت‌های اقتصادی حول محور صادرات نفت خام شکل گرفت و به این اساس، بودجه دولت نیز که زبان مالی اهداف و برنامه‌های اقتصادی است، به درآمدهای حاصل از صدور نفت خام متکی است (Sadeghi and Behboudi, 2005).

اقتصاد کشور ایران از جمله کشورهایی است که وابستگی زیادی به درآمد نفت دارد. طبق گزارش بانک مرکزی، وابستگی بودجه کشور ایران به درآمد نفتی در حدود ۵۰ درصد و در برخی از سال‌ها نیز بیشتر بوده است. از سوی دیگر، صندوق توسعه ملی می‌تواند ضمن کمک به مدیریت نوسانات اقتصادی، درآمد ناشی از صادرات نفت را به منابع و سرمایه‌های زاینده تبدیل کند. از این رو، کاهش اتکا به درآمد نفتی، اعطای تسهیلات به بخش خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی در داخل و خارج کشور با در نظر گرفتن بازدهی مناسب و شرایط رقابتی و سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی و نیز انتقال آن به نسل‌های بعد، می‌تواند تضمین‌کننده عدم بروز پیامدهای منفی ناشی از شوک‌های نفتی بر قدرت رقابت بخش‌های تولید، میزان صادرات و واردات و سطح قیمت‌ها در کشور ایران باشد؛ بنابراین، بررسی مدیریت تخصیص صحیح و بهینه درآمدهای نفتی ضروری است.

نوسان ایجاد شده در درآمد نفتی کشور ایران که بر اثر شوک‌های وارد شده بر بازار نفت و پیرو مسائل مختلف ایجاد می‌شود، از سال‌های پیش و پس از شوک‌های نفتی در دهه ۶۰، کشورها را به طراحی راه‌های گوناگونی در جهت مدیریت درآمد نفتی

نفتی کشور به‌عنوان مهم‌ترین قلم درآمدی کشور در بحث بودجه‌ریزی و مهم‌ترین منبع ذخایر ارزی بانک مرکزی، می‌توان نتیجه گرفت صنعت نفت و درآمدهای حاصل از آن در اقتصاد کشور ایران مهم، اساسی و غیرقابل‌انکار است. نقش بزرگ و اساسی درآمدهای نفتی بر روی متغیرهای کلان اقتصادی شگفت‌آور بوده و به طور مثال، با تقویت ذخایر ارزی کشور، نقدینگی به سرعت تحت تأثیر قرار گرفته و متعاقباً افزایش نقدینگی به نوبه خود متغیرهای دیگری را تحریک می‌کند که تورم و کاهش ارزش پول ملی از آن جمله‌اند (Roshni, 1394).

اقتصاد کشور ایران در طول قرن اخیر وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی داشته که در بخش‌های مختلف اقتصادی نمود یافته است. از همین رو، در بسیاری از تحلیل‌ها، وقتی در خصوص علت وضعیت فعلی کشور ایران سؤال می‌شود، انگشت‌ها به سمت نفت اشاره می‌رود. اینکه اقتصاد کشور ایران در ابعاد مختلف به نفت وابسته است، بر کسی پوشیده نیست. همان‌طور که می‌دانیم، نفت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع انرژی‌زا در جهان امروز، دارای دو کارکرد متفاوت است: از یک طرف، انرژی موردنیاز مصارف داخلی کشور را تأمین می‌کند و از طرف دیگر، صادرات نفت خام، منبع مهم و اصلی تأمین درآمد ارزی کشور بوده و چرخ اقتصاد را به گردش در می‌آورد. ولی آغاز استخراج نفت در کشور ایران نه تنها در اثر نیازها و کارکردهای درونی اقتصاد، بلکه به درخواست بیگانگان برای تأمین نیازهای آن‌ها شکل گرفت و از همان ابتدا، رشد نامتوازن این بخش برای صدور نفت خام به خارج و بی‌توجهی به سایر بخش‌ها باعث شکل‌گیری اقتصاد تک‌محصولی شد؛ بنابراین، برعکس یک اقتصاد سالم که رشد اقتصادی از رشد متوازن بخش‌های تولیدی سرچشمه





## پیشینه پژوهش

بودجه در استان‌های مرزی کشور ایران اثر معناداری بر تولید ناخالص داخلی دارد. همچنین، متغیرهای خدمات و صادرات کالا و بهره‌وری نیروی کار تأثیرات مثبتی بر تولید ناخالص داخلی داشته‌اند.

محمدی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «تحلیل اثر تمرکززدایی مالی ترکیبی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران» به بررسی این موضوع پرداختند. جامعه آماری آن‌ها ۳۱ استان کشور ایران در طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۴ بود. برآورد مدل با استفاده از روش‌های حداقل مربعات پویا (DOLS) و حداقل مربعات اصلاح‌شده (FMOLS) انجام شد. نتایج حاکی از این است که یک رابطه غیرخطی و حد بهینه میان شاخص تمرکززدایی مالی ترکیبی و رشد اقتصادی منطقه‌ای وجود دارد؛ به این صورت که رابطه با افزایش تمرکززدایی مالی ترکیبی در سطوح پایین، مثبت و بعد از عبور از نقطه اوج، به علت هزینه‌های ناشی از تمرکززدایی، منفی می‌شود.

غفاری فرد و انتظاری (۱۴۰۱) در تحقیقی تحت عنوان «تخصیص بودجه قانون استفاده متوازن از امکانات کشور در استان‌های مختلف ایران» را با استفاده از رویکرد چند معیاره مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها با استفاده از روش سلسله‌مراتبی و پرسش از خبرگان، توزیع اعتبارات در بین ۳۱ استان ایران را تعیین کرده‌اند.

غفاری فرد (۱۴۰۲) در تحقیقی به «تحلیل فرایند واگذاری اختیارات به مناطق طی برنامه‌های توسعه» پرداخت که نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد ایجاد ستاد درآمد و تجهیز منابع در استان، ایجاد شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان، وابسته کردن اعتبارات به درآمدها، کمیته‌های برنامه‌ریزی شهرستان و نیز ستاد تخصیص اعتبارات در استان از مهم‌ترین اقدامات سیاست‌گذاری منطقه‌ای طی برنامه‌های

وفایی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بودجه و رشد اقتصادی استان‌های کشور ایران با لحاظ توزیع اعتبارات بین استان‌ها پرداختند. آن‌ها با استفاده از روش خودرگرسیون برداری پانلی (Panel VAR) و داده‌های سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۶ به این نتیجه رسیدند که اعتبارات بودجه هر استان تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی آن استاندارد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که با افزایش اعتبارات در استان‌های بزرگ کشور، رشد اقتصادی استان‌های هم‌جوار به دلیل مهاجرت‌ها به استان‌های بزرگ کاهش می‌یابد.

سعیدی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «اثر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی در استان‌های کشور ایران» با به‌کارگیری روش اقتصادسنجی فضایی، اثر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی در استان‌های کشور ایران را در طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۳ بررسی کردند. در این مطالعه، از شاخص‌های تمرکززدایی مخارج و تمرکززدایی درآمد برای اندازه‌گیری تمرکززدایی مالی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که تمرکززدایی مالی از بعد مخارج اثر منفی و تمرکززدایی از بعد درآمد اثر مثبت بر رشد اقتصادی در کشور ایران دارد.

غفاری فرد و شجاعی (۱۳۹۹) پژوهشی را تحت عنوان «اثر اقتصادی نحوه تخصیص بودجه به استان‌های مرزی کشور ایران به دلیل نیاز به ظرفیت آن‌ها (رویکرد پنل دیتا)» انجام دادند. این پژوهش در ۱۶ استان مرزی کشور ایران با استفاده از روش داده‌های تابلویی انجام شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار ایویوز استفاده شده است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که متغیر نحوه توزیع



کورتون و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «تأثیر تمرکززدایی بر رشد اقتصادی در ۱۳ کشور اروپای شرقی و مرکزی» در طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۱۸ را بررسی کردند. ضرایب با استفاده از روش حداقل مربعات چندرگرسیون مجزا تخمین زده شده‌اند. نتایج حاکی از این است که رابطه منفی میان تمرکززدایی درآمد و رشد اقتصادی وجود دارد و تمرکززدایی مخارج سبب افزایش تولید ناخالص داخلی می‌شود.

تان و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی سیاست مالی و پولی بر رشد اقتصادی در کشور مالزی» با استفاده از روش خود هم‌بسته با وقفه‌های توزیعی (ARDL) و اطلاعات آماری در طول دهه‌های ۱۹۸۰-۲۰۱۷ به این نتیجه رسیدند که نرخ بهره اثر منفی بر رشد اقتصادی در این کشور داشته است. همچنین، مخارج دولت اثر منفی بر رشد اقتصادی و اعتبارات بانکی اثر مثبت بر رشد اقتصادی داشته است.

لی و همکاران (۲۰۲۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی اثرات سیاسی پولی و مالی با استفاده از بودجه دولتی و اعتبارات بانکی در رشد اقتصادی» با استفاده از داده‌های طی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۹ به روش پانلی در کشورهای برزیل، انگلستان، هند و چین به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که سیاست پولی و مالی با استفاده از بودجه و اعتبارات بانکی در رشد اقتصادی کشورهای منتخب تأثیر مثبت و معناداری داشته است.

فیض‌الله و مالک (۲۰۲۱) در تحقیقی با عنوان «اثر پویایی تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی» در طی سال‌های (۱۹۹۶-۲۰۱۸) برای ۸ کشور آسیای جنوبی با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری با وقفه توزیعی (ARDL) به مطالعه این موضوع پرداختند. نتیجه تأیید می‌کند که تمرکززدایی باعث

سوم تا پنجم توسعه در کشور ایران محسوب می‌شود. غفاری فرد و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر تبعیض بودجه را بر رشد فراگیر در استان‌های ایران» بررسی نموده و با استفاده از روش پانل دیتا دریافتند که اثر متغیر تبعیض در توزیع بودجه منفی است؛ بنابراین، سیاست‌مداران اقتصادی به دلیل افزایش رشد اقتصادی، تمرکززدایی در اعتبارات بانکی، مشارکت اقتصادی به همراه توازن در توزیع بودجه را مورد توجه قرار دهند.

رضایی و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر تبعیض در توزیع بودجه بر رشد فراگیر در استان‌های مختلف ایران» با استفاده از روش پانل دیتا (داده‌های تابلویی) از طریق نرم‌افزار ایوبوز به بررسی موضوع پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که ۱٪ افزایش مشارکت نیروی کار، رشد فراگیر در استان‌های مختلف کشور ایران را به اندازه ۰.۸۴۷٪ افزایش می‌دهد.

هیر فریدی و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «رابطه بین تمرکززدایی مالی و رشد اقتصادی در کشورهای آسیای جنوب شرقی» در طی سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۱۶ به این نتیجه رسیدند که تمرکززدایی درآمدی و هزینه‌ای به ترتیب اثرات منفی و مثبت روی رشد اقتصادی کشورهای منتخب داشته است.

کاناویز - با کارریزا و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی به بررسی اثر تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی در ۷۰ کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) و به کارگیری متغیر ابزاری (IV) در طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۲ پرداختند. نتایج تأیید می‌کند که به طور متوسط، افزایش ۱۰٪ در تمرکززدایی درآمد و مخارج باعث افزایش سرانه تولید ناخالص داخلی می‌شود.



اطلاعات موردنیاز در خصوص مبانی نظری و مرور پژوهش‌های پیشین با استفاده از روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. داده‌های سری زمانی مربوط به سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ برای استان‌های مختلف کشور ایران از منابعی مانند مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استانی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و قوانین بودجه سنوایی ایران جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۱ استان کشور ایران است. برای تحلیل داده‌ها، از تکنیک پانل دیتا به روش حداقل مربعات پویا (DOLS) صورت گرفته است. این روش برای اولین بار توسط استاک و واتسون (۱۹۹۳) مطرح شده است که با اعمال تعدیلاتی در روش حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شده است. روشی برای برآورد رابطه بین متغیرهایی که ناماناستند ارائه شده است و آن را روش حداقل مربعات پویا (DOLS) نام گذاری کردند. در این روش هدف از پویا بودن این است که الگوی زمانی واکنش یک متغیر وابسته، نسبت به تغییرات متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار می‌دهد. برای تشریح بهتر این روش یک معادله رگرسیونی ساده را در حالت وجود فقط دو متغیر و در قالب داده‌های پانلی در نظر گرفته شود:

$$(1) \quad y_{it} = \alpha_i + \beta_i(x)_{it} + \sum_{j=-q_1}^{q_2} Y_{ij} \Delta(x)_{it-j} + U_{it}$$

که در معادله فوق،  $y$  یک متغیر مستقل و همچنان  $X$  متغیر وابسته،  $i$  مقاطع (استان‌ها)،  $t$  دوره زمانی،  $\varepsilon$  جزء خطای تصادفی و در آخر  $N$  تعداد مقاطع می‌باشد. این رگرسیون به گونه زیر به تفاضل وقفه‌ای رگرسورها تکمیل می‌شود تا بازخورد متغیر مستقل را کنترل کند:

(۲)

$$y_{it} = \alpha_i + \beta_i(x)_{it} + \sum_{j=-q_1}^{q_2} Y_{ij} \Delta(x)_{it-j} + U_{it}$$

افزایش رشد اقتصادی می‌شود و ثبات اقتصادی کلان و بهبود حاکمیت در کنار تمرکززدایی مالی با رشد اقتصادی بالاتر همراه است.

یو آن (۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی اثر مخارج در رشد اقتصادی و بازسازی اقتصاد با استفاده از مدل رگرسیون در کشور چین» به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. این پژوهش بعد از همه‌گیر شدن ویروس کرونا در چین انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که مخارج عمرانی و جاری دولت در رشد اقتصاد چین تأثیرات مثبت و معناداری داشته است.

سانترین تو و جونیاردی (۲۰۲۳) در تحقیقی به «بررسی تأثیر رشد سبز فراگیر در طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۹ در ۳۴ استان اندونزی» پرداختند. نتایج حاکی از این است که رشد سبز فراگیر متأثر از توسعه انسانی فراگیر، صنعتی سازی و عملکرد مالی منطقه‌ای است. افزون بر این، توسعه انسانی فراگیر در اندونزی تحت تأثیر دموکراسی و رشد سبز فراگیر است. بلاایای طبیعی هیچ تأثیری در توسعه انسانی فراگیر ندارد.

در این تحقیق برای اولین بار، اثر مؤلفه‌های سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای (با تأکید بر اعتبارات بودجه استانی) در استان‌های ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و نوآوری تحقیق حاضر در تحلیل رابطه میان رشد اقتصادی و سیاست گذاری توسعه منطقه‌ای (با تأکید بر اعتبارات بودجه استانی) با استفاده از روش اقتصادسنجی پانل دیتا حداقل مربعات پویا (DOLS) است که تاکنون به طور خاص مورد مطالعه قرار نگرفته است.

## روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش‌شناسی، توصیفی - تحلیلی است. جمع‌آوری

برای برآورد روش حداقل مربعات پویا (DOLS)، ابتدا مانایی متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس هم‌انباشتگی بین متغیرها برای تعیین رابطه بلندمدت مورد آزمون قرار می‌گیرد. همچنین، آزمون چاو (F لیمر) و آزمون هاسمن نیز انجام می‌شود. بر اساس مطالعات Faizullah and Malik (۲۰۲۱)، Shamal Dudzevich et al و Al-Hosani et al (۲۰۲۵) و Al-Hosani et al (۲۰۱۸) مدل ریاضی زیر انتخاب شده است:

$$\log \text{GDP} = \beta_0 + \beta_1 \log \text{FDI} + \beta_2 \log \text{OA} + \beta_3 \log \text{BB} + \beta_4 \log \text{L} + \beta_5 \log \text{FDI}$$

در جدول (۱) متغیرهای مؤلفه سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای (با تأکید بر اعتبارات بودجه استانی) بر رشد اقتصادی درج شده از جمله متغیرهای اصلی این تحقیق حاضر تمرکززدایی مالی که از تقسیم اعتبارات استانی از کل اعتبارات کشور به دست می‌آید. اعتبارات متوازن منطقه‌ای، سه درصد بودجه عمومی کشور که بر اساس قانون استفاده متوازن به تفکیک استان‌ها در جدول ۱۰-ج بودجه سالانه ثبت می‌شود و سه درصد درآمد نفتی از قانون بودجه سالانه جدول ۱۰-ج به تفکیک استان‌ها نیز به دست آمده است. همچنین متغیر کمکی این تحقیق نیروی کار و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌باشد که از آمارنامه استان‌ها و وزارت امور اقتصادی و دارایی به دست می‌آید.

### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، مدل مورد استفاده برای تحلیل، رشد اقتصادی (GDP) را به عنوان متغیر وابسته در نظر می‌گیرد و از منظر سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای (با تأکید بر اعتبارات بودجه استانی)، متغیرهای تمرکززدایی مالی (DF)، سه درصد درآمدهای نفتی (OA) و اعتبارات متوازن منطقه‌ای

در معادله فوق،  $Y_{it}$  ضریب تقدم و یا وقفه اولین تفاضل از متغیرهای توضیحی می‌باشد. از این رگرسیون، برآورد کننده حداقل مربعات پویا پانل، به صورت رابطه زیر تعریف می‌شود:

$$\hat{\beta} \text{DOLS} = \sum_{i=1}^N (\sum_{t=1}^T z_{it} z_{it}^{-1}) (\sum_{t=1}^T z_{it} (y)_{it}^+)$$

که در آن  $(Y)_{it}^+$  تغییر شکل یافته  $(y)_{it}$  با هدف دستیابی به تصحیح درون‌زایی و  $Z_{it}$  بردار  $1 * (p + 1)$  رگرسور زیر می‌باشد:

$$Z_{it} = [(x)_{it} - (x)_{it-q}, \Delta(x)_{it-q}, \dots, \Delta(x)_{it+q}]$$

(Cao and Chiang, 2000). افزون بر این، مزیت آن نسبت به روش هم‌انباشتگی انگل-گرنجر و یوهانسن این است، این روش برای داده‌های پانلی توسعه دادند و نشان دادند که روش DOLS برآوردگرهایی با توزیع مجانبی با میانگین صفر را به دست می‌دهد. تخمین زنده روش حداقل مربعات پویا (DOLS) از تعدیل‌های پارامتری، برای بهبود چگونگی اجزای خطا استفاده می‌کند و همچنین برای مقادیر گذشته و آیند متغیرهای توضیحی تفاضلی را به عنوان متغیر اضافی در مراحل تخمین در نظر می‌گیرد. مهم‌ترین مزیت این روش تخمین زنده که در نمونه‌های کوچک نیز کاربرد دارد که از پیدایش تورش هم‌زمانی جلوگیری می‌نماید. همچنین از توزیع مجانبی نرمال برخوردار است. افزون بر این، مزیت آن نسبت به روش هم‌انباشتگی انگل-گرنجر و یوهانسن این است که مقید به مانا بودن متغیرها از یک درجه معین، نیست و در حقیقت برای حالت‌هایی که درجه هم‌انباشتگی متغیرهای توضیحی یکسان نباشند نیز به کار می‌رود (Mohammadi, 2010).



## جدول ۱. نام متغیرهای اصلی و کمکی

نام متغیر به انگلیسی	نام متغیر به فارسی
log GDP	تولید ناخالص داخلی
log FD	تمرکززدایی مالی
log BB	اعتبارات متوازن منطقه‌ای
log OA	سه درصد درآمد نفتی
log L	نیروی کار
log FDI	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

## منبع: یافته‌های تحقیق

گیرد. باتوجه به جدول فوق و متغیرهای ذکر شده، در مرحله اول مطابق با معیار تعیین شده (Prob) که کمتر از ۵ درصد است، این نشان‌دهنده مانایی بودن این متغیرها است. مقدار آماره احتمالی متغیرهای مدل شامل مؤلفه‌های تولید ناخالص داخلی (GDP)، تمرکززدایی مالی (FD)، سه درصد درآمد نفتی، اعتبارات متوازن (BB)، نیروی کار (L) و سرمایه‌گذاری خارجی (FDI) که کمتر از ۰,۰۵ درصد است، در مرحله اول مانا هستند.

## آزمون هم‌انباشتگی کائو

همان‌طور که در جدول (۲) ملاحظه می‌شود، با توجه به آماره ADF (Augmented Dickey-Fuller) در مدل پانلی الف، مقدار آماره احتمالی (۰,۰۰۰۰) کمتر از ۰,۰۵ درصد است. بنابراین وجود هم‌انباشتگی در مدل تحقیق پذیرفته می‌شود و فرضیه  $H_0$  مدل بر اساس عدم وجود هم‌انباشتگی رد می‌شود. در نتیجه می‌توان ادعا کرد که بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل یک رابطه بلندمدت وجود دارد.

(BB) به‌عنوان متغیرهای مستقل کلیدی لحاظ شده‌اند. علاوه بر این، شاخص‌های کمکی دیگری شامل نیروی کار (L) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) نیز در مدل گنجانده شده‌اند. بر اساس مبانی نظری موجود، این متغیرهای کمکی به‌عنوان عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی و همچنین متغیرهای سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای (با تأکید بر اعتبارات بودجه استانی) در نظر گرفته شده‌اند. قبل از برآورد مدل، ابتدا آزمون‌های مانایی برای اطمینان از ایستاد بودن متغیرها انجام شده است. سپس، آزمون هم‌انباشتگی کائو به‌منظور بررسی وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها، آزمون چاو (F لیمر) برای انتخاب بین مدل‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی، و در نهایت آزمون هاسمن برای تعیین نوع اثرات (ثابت یا تصادفی) مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

## آزمون‌های مانایی تحقیق

این آزمون به دلیل اینکه مانایی متغیرها باعث بروز انواع نتایج کاذب، از جمله تشکیل رگرسیون کاذب می‌گردد، انجام می‌شود. قبل از برآورد مدل، باید آزمون مانایی برای همه داده‌ها صورت

جدول ۲. نتایج آزمون‌های مانایی، هم‌جمعی کائو، چاو (اف لیمر) و هاسمن در این تحقیق

پویایی	سطح		متغیر
	سطح احتمال (Probe)	مقدار آماره Statistic	
مانا	۰,۰۰۰۰	۹,۹۳۴۶۳	LGDP
مانا	۰,۰۰۰۰	۱۱,۵۲۵۹	LDF
مانا	۰,۰۰۰۰	۱۱,۳۲۹۱	LBB
مانا	۰,۰۰۰۰	۱۰,۷۲۱۹	LOA
مانا	۰,۰۰۰۰	۵,۶۱۳۳۱-	LL
مانا (۲)	۰,۰۰۰۰	۱۸,۵۸۲۰-	LFDI
نتایج آزمون هم‌انباشتگی کائو			
	آماره	Statistic	.Prob
	ADF	۱۰,۷۳۴۳۳-	۰,۰۰۰۰
نتایج آزمون چاو (اف لیمر)			
Effects Test	Statistic	D.F	.Prob
Cross-Section f	۲۴,۰۳۸۵۹۵	۳۰,۳۰۳	۰,۰۰۰۰
Cross-Section chi-squar	۴۱۲,۸۶۵۷۷۵	۳۰	۰,۰۰۰۰
نتایج آزمون هاسمن			
Test Summary	Chi-Sq. Statistic	Chi- Sq.d.f	.Prob
Cross-Section Random	۲۴,۲۴۶۱۷۴	۵	۰,۰۰۰۲

منبع: نتایج تحقیق حاضر با استفاده از Eviws12



## آزمون چاوه (اف لیمر)

همچنان در جدول (۲)، مشاهده می‌شود که مقدار  $F$  محاسبه شده برابر با  $۲۴,۰۳$  است که بزرگ‌تر از مقدار  $F$  جدول بوده و بیانگر معناداری اثرات ثابت است. با سطح احتمال (Prob) کمتر از سطح انتخابی  $(۰,۰۵)$ ، بنابراین فرضیه  $H_0$  رد می‌شود و داده‌های متغیر بالا، پنل می‌باشند.

## آزمون هاسمن

پس از اینکه از طریق آزمون چاوه مشخص شد که باید از روش پانل دیتا برای برآورد مدل استفاده شود، به منظور تخمین نوع مدل (مدل اثرات ثابت یا مدل اثرات تصادفی) از آزمون هاسمن در داده‌های پانل استفاده می‌شود. مطابق با جدول (۲) چنین نتیجه می‌گیریم که مقدار آماره  $(۰,۰۰۰۲)$  که به دست آمده است، کوچک‌تر از آماره جدول است؛ بنابراین فرضیه  $H_0$  که عدم وجود رابطه بین متغیرها است، رد می‌شود و تخمین مدل بر اساس روش رگرسیون با اثرات ثابت صورت خواهد گرفت.

## برآورد مدل و تحلیل آن

بر اساس آزمون‌های انجام شده، برای برآورد رابطه میان رشد اقتصادی (به عنوان متغیر وابسته) و شاخص ترکیبی سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای با تأکید بر اعتبارات بودجه استانی (به عنوان متغیر مستقل)، مدل زیر ارائه شده است. نتایج این تحقیق برای ۳۱ استان کشور ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، با استفاده از نرم‌افزار EViews ۱۲ و روش حداقل مربعات پویا (DOLS) برآورد شده است.

بر اساس نتایج به دست آمده جدول (۳) یافته‌ها به شرح زیر است:

■ افزایش یک درصدی در تمرکز دایی مالی منجر

به  $۰,۵۴۷$  درصد افزایش در رشد اقتصادی در بلندمدت می‌شود. این رابطه مثبت و معنادار است. بنابراین دادن اختیارات و تفویض اختیارات به شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها که شناخت بیشتر از خواسته‌ها و نیازهای عمرانی و توسعه‌ای مناطق دارند و با نظر مشورتی دستگاه‌های استانی بر اساس سلايق و نیاز مسائل مناطق و با کارایی بیشتر تخصیص و توزیع به پروژه‌ها و طرح‌های پیشران در مناطق می‌توانند اهداف رشد ۸ درصدی هدف برنامه هفتم توسعه را ایجاد کنند

■ افزایش یک درصدی در درآمد نفتی منجر به  $۰,۰۸۹$  درصد افزایش در رشد اقتصادی می‌شود. این رابطه نیز مثبت و معنادار است. بنابراین تخصیص یک درصد درآمد نفت به مناطق نفت‌خیز و گاز خیز کشور و توزیع کارا و اثربخش آن توسط شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان با همکاری کمیته برنامه‌ریزی شهرستان‌های مشمول می‌تواند به رشد اقتصادی آن‌ها کمک کند. همچنین دو درصد باقیمانده اعتبار درآمد نفت نیز می‌بایست بر اساس فهرست مناطق محروم کشور مصوب هیات وزیران در پروژه‌ها و طرح‌های مناطق محروم هزینه شود که بر اساس نتایج مدل، تخصیص کامل آن توسط نهادهای مرکزی و هزینه کرد آن در این مناطق به رشد و آبادانی این مناطق کمک شایانی خواهد کرد.

■ افزایش یک درصدی در اعتبارات متوازن منطقه‌ای منجر به  $۰,۸۵۳$  درصد افزایش در رشد اقتصادی در بلندمدت می‌شود. این رابطه مثبت و معنادار است. بر اساس قانون می‌بایست



### جدول ۳. اثر سیاست گذاری توسعه منطقه‌ای (با تأکید بر اعتبارات بودجه استانی) بر رشد اقتصادی در استان‌های کشور ایران (DOLS)

متغیرها	متغیر وابسته: رشد اقتصادی در استان‌های کشور ایران (GDP)			
	Co efficient	Std. Error	T-Statistic	.Prob
LDF	۰,۵۴۷۶۴۷	۰,۱۰۹۹۶۰	۴,۹۸۰۴۱۶	۰,۰۰۰
LOA	۰,۰۸۹۷۱۲	۰,۰۳۲۸۱۳	۲,۷۳۴۰۳۶	۰,۰۰۷۰
LBB	۰,۸۵۳۱۵۶	۰,۰۷۰۰۳۳	۱۲,۱۸۲۱۳	۰,۰۰۰۰
LFDI	۰,۰۳۴۵۲۰	۰,۰۰۵۸۶۶	۵,۸۸۴۹۶۴	۰,۰۰۰۰
LL	۰,۵۰۳۴۸۹	۰,۰۷۸۰۵۷	۶,۴۵۰۳۱۳	۰,۰۰۰۰
R <sup>۲</sup>	۰,۸۱۹۴			

منبع: نتایج تحقیق حاضر با استفاده از Eviws12

به ۰,۵۰۳ درصد افزایش در رشد اقتصادی می‌شود. این رابطه نیز مثبت و معنادار است. نیروی کار به عنوان یک عامل تولید نقش کلیدی در ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد دارد. فرایند تولید با حضور نیروی کار به‌ویژه با گسترش مهارت‌ها و ارتقای بهره‌وری آن‌ها در مناطقی که نیروی کار ارزان و فراوان وجود دارد کمک در خور توجه‌ای به رونق اقتصادی خواهند داشت.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رابطه میان متغیرهای مستقل و رشد اقتصادی در بلندمدت مثبت و معنادار است. مقدار prob برای تمامی متغیرها ۰,۰۰۰ بوده که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. ضریب تعیین مدل ۰,۸۱۹۴ برآورد شده که نشان‌دهنده توان بالای مدل در توضیح تغییرات رشد اقتصادی استان‌های ایران است، به‌گونه‌ای که حدود ۸۱٪ از تغییرات رشد اقتصادی توسط متغیرهای موجود در مدل تبیین می‌شود.

سه درصد از اعتبارات بودجه عمومی کشور به شهرستان‌هایی که در شاخص‌های تولیدی، زیربنایی، اقتصادی و اجتماعی پایین‌تر از میانگین کشور هستند در هر استان اختصاص داده شود. این اعتبارات بیش از ۵۰ درصد آن توسط شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها در شهرستان‌های مشمول هزینه می‌شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد تخصیص کامل و به موقع این اعتبارات می‌تواند باعث رونق اقتصادی در این شهرستان‌ها شود.

■ افزایش یک‌درصدی در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به ۰,۰۳۴ درصد افزایش در رشد اقتصادی می‌شود. این رابطه نیز مثبت و معنادار است. ورود سرمایه خارجی در کشور و هزینه کرد آن در پهنه سرزمین نیز می‌تواند با ورود فناوری و نیروی کار ماهر به مناطق و ایجاد پروژه‌ها و طرح‌های اقتصادی و سودآور به رشد اقتصادی مناطق کمک کند.

■ افزایش یک‌درصدی در نیروی کار منجر



## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این تحقیق باهدف تبیین شاخص‌های سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای از بعد کلان بر رشد اقتصادی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای می‌تواند به توازن رشد اقتصادی کمک کند و از تمرکز بیش از حد فعالیت‌های اقتصادی در مناطق خاص جلوگیری نماید. در نتیجه، این سیاست‌ها نقشی کلیدی در ایجاد رشد پایدار و فراگیر اقتصادی ایفا می‌کنند و با ایجاد تعادل میان مناطق مختلف کشور، موجب افزایش بهره‌وری، بهبود شرایط معیشتی و تقویت زیرساخت‌های می‌شوند.

این پژوهش به بررسی تأثیر سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای بر رشد اقتصادی در ۳۱ استان ایران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ می‌پردازد. برای این منظور، داده‌های آماری از منابعی مانند مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری استانی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، و قوانین بودجه سنواتی جمع‌آوری شده‌اند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش پانل دیتا و تکنیک حداقل مربعات پویا (DOLS) و نرم‌افزار Eviews نسخه ۱۲ انجام شده است.

برای برآورد مدل در مرحله اول باید چهار آزمون انجام شود. آزمون مانایی به این دلیل انجام می‌شود که وجود ناپایداری در متغیرها می‌تواند منجر به نتایج نادرست، از جمله رگرسیون‌های کاذب، شود. بنابراین، قبل از برآورد مدل، لازم است که آزمون مانایی روی تمام داده‌ها انجام شود. با توجه به متغیرهای مورد نظر، در مرحله اول، بر اساس معیار تعیین‌شده ( $0.05 > Prob$ )، متغیرها مانا هستند. مقدار آماره احتمالی متغیرهای تولید ناخالص داخلی (GDP)، تمرکززدایی مالی (FD)، سه درصد

درآمد نفتی، اعتبارات متوازن (BB)، نیروی کار (L) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) کمتر از ۰,۰۵ است که نشان‌دهنده مانایی آن‌ها در مرحله اول است.

با توجه به آماره ADF (آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته) در مدل پانلی، مقدار احتمال (۰,۰۰۰۰) کمتر از ۰,۰۵ است. از این رو، وجود هم‌انباشتگی در مدل تحقیق تأیید می‌شود و فرضیه صفر ( $H_0$ ) مبنی بر عدم وجود هم‌انباشتگی رد می‌شود. در نتیجه، می‌توان ادعا کرد که بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، یک رابطه بلندمدت برقرار است.

با توجه به مقدار F محاسبه‌شده برابر با ۲۴,۰۳ است که از مقدار F جدول بزرگ‌تر است و نشان‌دهنده معنادار بودن اثرات ثابت است. با توجه به سطح احتمال (Prob) کمتر از سطح انتخابی (۰,۰۵)، فرضیه صفر ( $H_0$ ) رد می‌شود و بنابراین، داده‌های متغیر مورد بررسی، پانلی هستند.

پس از تعیین لزوم استفاده از روش پانل دیتا از طریق آزمون چاو، برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و مدل اثرات تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. با توجه به مقدار آماره به‌دست‌آمده (۰,۰۰۰۲) کوچک‌تر از سطح انتخابی (۰,۰۵) است؛ بنابراین فرضیه صفر ( $H_0$ ) مبنی بر عدم وجود رابطه بین متغیرها رد می‌شود. در نتیجه، تخمین مدل بر اساس روش رگرسیون با اثرات ثابت انجام خواهد شد.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد سه مؤلفه سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای تمرکززدایی مالی، سه درصد درآمد نفتی و بودجه متوازن منطقه‌ای بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران تأثیر مثبت و معنی‌دار داشته است. نتایج نشان می‌دهد با افزایش یک درصد تمرکززدایی مالی رشد اقتصادی



نیروی کار اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد نیز مورد تأثیر قرار می‌گیرد و نیز فرضیه مؤلفه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد تأیید می‌شود نتایج این تحقیق هم‌راستا با تحقیقات Shir Mehanji et al. (1401)، Yunsı (1402)، Shamal Al-Hosani (2022) Walihi and colleagues، (1404) et al Fathi and, (2021) Faizullah, Z., & Malik, Z. K colleagues (2023) است.

### پیشنهادهای سیاستی

با توجه به تأثیر مثبت معنادار تمرکززدایی مالی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران در مدل نهایی تحقیق، پیشنهاد می‌شود.

■ تفویض اختیار مالی کامل به شوراهای برنامه‌ریزی و توسعه استانی: با توجه به اینکه این شوراها شناخت عمیق‌تری از «خواست‌ها و نیازهای عمرانی و توسعه‌ای مناطق» دارند، باید اختیارات بودجه‌ای بیشتری در تخصیص و توزیع اعتبارات به آن‌ها داده شود تا بر اساس نیاز و شرایط منطقه و مزیت نسبی بخش‌های اقتصادی هزینه نمایند.

■ مکانیزم تصمیم‌گیری مشورتی اما قاطع: ضمن بهره‌گیری از «نظر مشورتی دستگاه‌های استانی»، تصمیم نهایی در مورد پروژه‌های پیشران و کارآمد باید توسط شورای استانی اتخاذ شود. این کار باعث می‌شود منابع بر اساس «سلیق و نیاز مسائل مناطق» و با «کارایی بیشتر» صرف شوند.

■ تفکیک وظایف ملی و استانی و دادن اختیارات به مناطق: در راستای سیاست‌های تمرکززدایی مالی در کشور و اثر آن بر رشد

به‌اندازه ۰٫۵۴۷ درصد افزایش می‌یابد؛ چون رابطه میان شان مثبت و معنادار است. همچنین با افزایش یک درصد متغیر سه درصد درآمد نفتی رشد اقتصادی به‌اندازه ۰٫۰۸۹ درصد افزایش می‌یابد؛ چون رابطه میانشان مثبت معنادار است و متغیر بعدی یک درصد افزایش در بودجه متوازن منطقه‌ای رشد اقتصادی به اندازه ۰٫۸۵۳ درصد افزایش می‌نمایند و نیز رابطه میانشان مثبت و معنادار است و همچنان افزایش یک درصد متغیر در نیروی کار منجر رشد اقتصادی به اندازه ۰٫۵۰۳ درصد افزایش می‌نماید چون رابطه میان شان مثبت و معنادار است. آخرین متغیر افزایش یک درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رشد اقتصادی به اندازه ۰٫۰۳۴ درصد افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه میان متغیرهای مستقل و رشد اقتصادی در بلندمدت مثبت و معنادار است. مقدار آماره ضریب تعیین ( $R^2 = 0,8184$ ) بود که نشان می‌دهد توان بالای مدل در توضیح تغییرات رشد اقتصادی استان‌های کشور جمهوری اسلامی ایران توضیح داده است، به‌گونه‌ای که حدود ۸۱٪ از تغییرات رشد اقتصادی توسط متغیرهای موجود در مدل تبیین می‌شود.

همچنان با توجه به نتایج به دست آمده از برآورد مدل برای فرضیه‌های اصلی مطرح شده در پژوهش مبنی بر اینکه مؤلفه تمرکززدایی مالی اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران دارد تأیید می‌گردد و فرضیه دوم سه درصد درآمد نفتی اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران دارد و همچنین مورد تأیید قرار می‌گیرد و فرضیه بعدی که مؤلفه بودجه متوازن منطقه‌ای اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران دارد تأیید می‌گردد و همچنان



شایانی کند.

با توجه به تأثیر مثبت معناداری اعتبارات بودجه متوازن منطقه‌ای بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران در مدل نهایی تحقیق، پیشنهاد می‌شود.

■ تضمین تخصیص کامل و به موقع ۳٪ اعتبارات متوازن: با توجه به ضریب بسیار بالای این متغیر بر رشد اقتصادی مناطق، باید سازوکارهایی برای تضمین «تخصیص کامل و به موقع» این سه درصد از اعتبارات بودجه عمومی به شهرستان‌های کمتر توسعه‌یافته (در شاخص‌های تولیدی، زیربنایی، اقتصادی و اجتماعی) ایجاد شود.

■ تقویت نقش شوراهای استانی در نظارت و هدایت: تأکید شود که بیش از ۵۰ درصد آن توسط شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها در شهرستان‌های مشمول هزینه می‌شود. بنابراین، تقویت نقش نظارتی و هدایتی این شوراها برای اطمینان از اثربخشی این اعتبارات بسیار حیاتی است.

با توجه به تأثیر مثبت معناداری نیروی کار بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران در مدل نهایی تحقیق، پیشنهاد می‌شود:

■ سرمایه‌گذاری در آموزش و ارتقای مهارت نیروی کار: برنامه‌های ملی و منطقه‌ای برای «گسترش مهارت‌ها و ارتقای بهره‌وری» نیروی کار، به ویژه در مناطقی که نیروی کار ارزان و فراوان وجود دارد، تدوین و اجرا شود.

■ سیاست‌های جذب و حفظ نیروی کار متخصص: ایجاد مشوق‌هایی برای جذب نیروی کار متخصص به مناطق با پتانسیل رشد، و همچنین حفظ و توانمندسازی نیروی

اقتصادی استان‌ها می‌بایست ضمن تعریف مجدد حکمرانی منطقه‌ای، اعتبارات استانی جدول ۱۰ قانون بودجه افزایش یابد تا استان‌ها در چاروب وظایف خود به نحو کارا و اثر بخش هزینه نمایند.

با توجه به تأثیر مثبت معناداری سه درصد درآمد نفتی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران در مدل نهایی تحقیق، پیشنهاد می‌شود.

■ تخصیص کامل ۱٪ درآمد نفت به مناطق نفت‌خیز و گازخیز: این تخصیص باید «توسط شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان با همکاری کمیته برنامه‌ریزی شهرستان‌های مشمول» مدیریت شود تا «توزیع کارا و اثربخش» آن تضمین شده و مستقیماً به «رشد اقتصادی آن‌ها کمک کند.

■ تدوین این نامه نحوه توزیع اعتبارات ۱ درصد به مناطق مشمول: به منظور اثر بخشی مطلوب این منابع و ارتقای رشد اقتصادی در این استان و شهرستان‌ها می‌بایست نحو توزیع و شاخص‌های مطلوب و نوع پروژه‌ها مشخص شود تا رشد اقتصادی در استان و شهرستان محقق شود

■ تخصیص کارای منابع ۲ درصد درآمد نفت به مناطق محروم: تأکید شود که «دو درصد باقیمانده اعتبار درآمد نفت نیز می‌بایست بر اساس فهرست مناطق محروم کشور مصوب هیأت وزیران در پروژه‌ها و طرح‌های مناطق محروم هزینه شود. و این تخصیص باید توسط نهادهای مرکزی به صورت کامل انجام پذیرد. یعنی دولت مرکزی مسئولیت دارد این بخش را به طور کامل و کارآمد به مناطق محروم برساند تا به رشد و آبادانی این مناطق کمک



کار بومی.

- با توجه به تأثیر مثبت معناداری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران در مدل نهایی تحقیق، پیشنهاد می‌شود.
- بسترسازی برای جذب هدفمند سرمایه‌گذاری خارجی: سیاست‌های تشویقی قوی‌تر برای ورود سرمایه خارجی به کشور و هدایت آن به پروژه‌ها و طرح‌های اقتصادی و سودآور در پهنه سرزمین تدوین شود.
- تمرکز بر انتقال فناوری و آموزش نیروی کار ماهر: تأکید شود که این سرمایه‌گذاری‌ها باید نه تنها پول، بلکه فناوری و نیروی کار ماهر را نیز به مناطق وارد کنند تا به رشد اقتصادی مناطق کمک کند.

## ملاحظات اخلاقی

### پیروی از اصول اخلاقی پژوهش

تمامی اصول اخلاقی در پژوهش این مقاله رعایت شده‌اند.

### حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

### مشارکت‌نویسندگان

نویسندگان به یک اندازه در نگارش مقاله مشارکت داشته‌اند.

### تعارض منابع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منابع ندارد.



## References

- Ahsan, Kazem; Karampour, Amrollah. (2003). The provincial revenue-expenditure system: A new look at regional development and balance, its challenges and prospects. *Quarterly Journal of Planning and Budgeting*, 8 (4), 96-71. (in Persian) <http://jpbud.ir/article-1-113-fa.html>
- Ahmadi, Mohaddeseh; Mahmoudzadeh, Mahmoud and Doštgoei, Saleh (1401), The effect of government expenditure components on Iran's economic growth: a nonlinear regression approach with constant transition (1350-1398); *Quarterly Journal of Economic Modeling*, Volume 7, Number 2, Serial 26, September 1401: 43-66. (in Persian) doi: 10.22075/JEM.2022.27173.1726
- Ahmadi, Marizeh; Ali Khan Gorgani, Ruhollah (1400), Vertical Financial Decentralization and Regional Development in Iran, *Quarterly Journal of Economic Research (Sustainable Growth and Development) - Year 21, Issue 1, Spring 147:180:1400.* (in Persian) <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-43352-fa.html>
- Esmaili Rozi, Hossein; Behnam and Shirali, Shirin (2015), "The Impact of Oil Revenues on Economic Growth in Iran with an Emphasis on Changing Institutional Quality", *Quarterly Journal of Economic Progress Policy*, Alzahra University, Year 3, Issue 7, Summer 2015, pp. 108-81. (in Persian) doi: 10.22051/EDP.2016.2097
- Azam, Qezilbash; Seifi, Ahmad; Mashhadi, Mehdi Khodaparašt. (2018). Investigating scenarios for optimal allocation of oil revenues in Iran assuming the existence of Dutch disease using the dynamic computable general equilibrium (DCGE) approach. *Scientific Journal of Economic Policy*, Year 11, Issue 20, Volume 2, Fall-Winter 2019. (in Persian) doi: 10.22034/EPJ.2020.10957.1886
- Danaei Fard, Hassan; Vali Asl, Javad. (2018). "Mechanisms for Improving the Quality of Public Policymaking in Iran". *Dolat Pahoejoh*, 4(16), 143-109. (in Persian) <https://doi.org/10.22054/tssq.2019.9593>
- Roshani, Hamid Mohammad. (2015) The Effect of Oil Revenues on Iran's Liquidity: Emphasizing the Role of the Foreign Exchange Reserve Fund, *Quarterly Scientific Research Journal, Economic Growth and Development Studies*, Year 6, Issue 23, Summer 2016(59-74). (in Persian) doi: 20.1001.1.22285954.1395.6.23.4.1
- Saedi, Nader; Habibi, Fateh; Ghaderi, Saman. (2019), Investigating Fiscal Decentralization on Economic Growth in Iranian Provinces Using Spatial Econometrics, *Practical Quarterly Journal of Economic Studies and Policies*, No. 6, Volume 1, 224:195:2019. (in Persian) [https://journals.mofidu.ac.ir/article\\_39005.html](https://journals.mofidu.ac.ir/article_39005.html)
- Shamal-e-Hosani, Heydar Abd Ali; Hashemi-Dizaj, Abdolrahim; Hassanzadeh, Mohammad (2015). The Impact of Oil Revenues on Economic Growth in Iraq with an Emphasis on Geopolitical Risk, *Quarterly Journal of Sustainable Urban and Regional Development Studies*, Volume 7, Issue 1, Serial Number 23, Spring 2015. (in Persian) [https://www.srds.ir/article\\_220707.html?lang=fa](https://www.srds.ir/article_220707.html?lang=fa)
- Emadzadeh, Mustafa; Baktash, Forozan. (2015). The Effect of Education on Added Value in the Industrial Sector, *Journal of Knowledge and Development (Scientific-Research)*, No. 16, First Half of 2005. (in Persian) <https://ensani.ir/file/download/article/20101003124004->



- Ghafariard, Mohammad. (2015). Studying the Developments in Regional Policymaking During the Third and Fourth Development Plans in Iran with Emphasis on the Provincial Revenue-Expenditure System. *Development Strategy*, 11(42), 41-72. (in Persian) <http://noo.rs/NoFx1>
- Ghafariard, Mohammad; Entezari, Khalilollah. (1401). Presenting a budget allocation model for the balanced use of the country's resources law in different provinces of Iran (multi-criteria decision-making approach). *Quarterly Journal of Public Sector Accounting and Budgeting*, Volume 3, No. (2), pp. 1-22 (in Persian). <https://doi.org/10.22034/psab.2024.197430>
- Ghafariard, Mohammad; Hosseini, Fatemeh; Hosseini Mazari, Seyed Esmail. (1402). Governance promotion mechanism and regional development policymaking in Iran. *Quarterly Journal of Public Sector Economic Studies*. 2(1), 58-37. (in Persian) [Doi:10.8786.2023.PSE/22126.10](https://doi.org/10.8786.2023.PSE/22126.10)
- Ghafariard, Mohammad; Shojaei, Mohammad Reza (2019), Investigating the economic effects of budget allocation to the country's border provinces based on their needs and capacities (Panel Data Approach), *Scientific Journal of Strategic Budget and Finance Research*, No. 3, Fall 2019: 109-147. (in Persian) <https://ensani.ir/file/download/article/1608972298-10343-3-4.pdf>
- Ghafariard, Mohammad; Ghavami, Seyed Hassan; Rezaei, Yazdan Ali. (2019). Investigating the effect of discrimination in budget distribution on inclusive growth in different provinces of Iran. *Public Sector Accounting and Budgeting Quarterly*, Volume 4, Issue (4). (in Persian) DOI:10.22034 / PSAB.2024.192620
- Ghafariard, Mohammad; Mohammadi, Raheleh. (1400), The Role of Economic Resilience on Economic Growth in Selected Organization of Islamic Cooperation Countries from 2000 to 2018. *Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, Year 3, Issue 9. Fall (in Persian). [https://journal.iifws.com/article\\_147049.html](https://journal.iifws.com/article_147049.html)
- Ghafariard, Mohammad; Maleki, Hashem Nasr. (1400). Studying the Distributional Effects of Credits Derived from Oil Export Revenue in Different Provinces of Iran, "Strategic Budget and Finance Research", Year 2, Issue 1, Spring, pp. 112-83. (in Persian) <https://ensani.ir/file/download/article/1634963141-10343-1400-1-3>.
- Law of the Sixth Five-Year Development Plan, Official Gazette 21 / 1 / 1396 No. 20995: 35-1 (in Persian)
- Mohammadi, Nariman, Haji; Gholamali, Fotros; Mohammad Hassan. (2010), The Effect of Combined Fiscal Decentralization on the Economic Growth of Iranian Provinces. *Economic Growth and Development Research*, No. 10, Volume 38, pp. 98:75. (in Persian) <https://sid.ir/paper/1038899/fa>
- Vafaei, Habibollah; Mashhadi Ahmadi, Mahmoud; Mehrara, Mohsen, (2019), Studying the relationship between budget and economic growth of Iranian provinces with regard to interprovincial credit distribution, *Quarterly Journal of Econometric Modeling - Fourth Year*, No. 2, 13th Issue, Spring 2019: 9-32 (in Persian) [https://jem.semnan.ac.ir/article\\_3968\\_fe49af8e4f90bcd6ed431c14779d5d61](https://jem.semnan.ac.ir/article_3968_fe49af8e4f90bcd6ed431c14779d5d61)
- Canavire. Bacarreza, G., Martinez-Vazquez, J., & Yedgenov, B. (2020). Identifying and disentangling the impact of fiscal decentralization on economic growth. Working Paper Serier, IDB-WP- 1037,



- Inter- American Development Bank, Washington, DC, 127, 104742. DOI: 10.18235/0001899.
- Faizullah, Z., & Malik, Z. K. (2021). The Dynamic Effect of Fiscal Decentralization on Economic Growth: Role of Governance and Macroeconomic Stability. *Global Economics Review*, VI(IV), 105 - 116. [https://doi.org/10.31703/ger.2021\(VI-IV\)](https://doi.org/10.31703/ger.2021(VI-IV)).
- Koa, C. & Chiang, M. H. (2000). "On the Estimation in Infernce of Cointegrated Regression in Panel Data". *Advances in Econometrics*, 15, 179-222.
- Korotun, V., Kaneva, T., Drepin, A., Levaieva, L., & Kucherenko, S. (2020). The impact of fiscal decentralization on economic growth in Central and Eastern Europe. *European Journal of Sustainable Development*, 9(3), 215-215. DOI: 10.14207/ejsd.2020.v 9n3p215.
- Li Ying, Sun Yunpeng, Chen Mengya (2021). An Evaluation of the Impact of Monerary Easing Policies in Timrs of a Pandemic. *Frontiers in Public Health*, 8, 12-25. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2020.627001>
- Faizullah, Z., & Malik, Z. K. (2021). The Dynamic Effect of Fiscal Decentralization on Economic Growth: Role of Governance and Macroeconomic Stability. *Global Economics Review*, VI(IV), 105-116. [https://doi.org/10.31703/ger.2021\(VI-IV\).09](https://doi.org/10.31703/ger.2021(VI-IV).09)
- Stevens, paul (2015). " The resource curse revisited appendix: a literature review", chatham house, the royal institute of international affairs, Energy, Environment and Resources, August 2015.
- Tan C-T, Mohamed A, Habibullah MS, Chin L (2020). The Impacts of Monetary and Fiscal Policies on Economic Growth in Malaysia.Singapore and Thailand. *South Asian Journal of Macroeconomics and Public Finance*, 9(1),114-130. DOI: 10.1177/2277978720906066
- Yuan, B., Leiling, W., Saydaliey, H.B (2022). Testng the impact of fiscal policies for economic recovery: does monetary policy act as catalytic tool for economic Survival. *Econ Change Restruct.* DOI: 10.1007/s10644-022-09383-7